

مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر تجربه مشارکت سیاسی بر نگرش شهروندان نسبت به مشارکت سیاسی در ایران (مطالعه موردی: شهروندان شهر ابهر)

علیرضا کلدی^۱

استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

محمود زمانی

دانش آموخته دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۶ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۳/۲۳)

چکیده

مشارکت سیاسی فرایندی است که در طی آن قدرت سیاسی میان افراد و گروه‌های جامعه توزیع می‌شود، به‌گونه‌ای که تمامی شهروندان و گروه‌های فعال و خواهان مشارکت سیاسی از حق انتخاب شدن، تصمیم‌گیری، انتقاد، اعتراض، اظهارنظر و رأی دادن بهره‌مند باشند. مطالعه تأثیر تجربه مشارکت سیاسی بر نگرش به مشارکت سیاسی در ایران موضوع مطالعه این مقاله است که با استفاده از دیدگاه‌های نظری مختلف و با استفاده از روشی ترکیبی (*abduction*) تدوین یافته است و هدف از این پژوهش، شناخت نگرش (مثبت و منفی) شهروندان از مشارکت سیاسی در جامعه ایران است. روش تحقیق پیمایشی (*survey*) و از نوع مقطعی؛ و ابزار گردآوری، پرسشنامه همراه با مصاحبه است. جمعیت آماری عبارت است از شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر ابهر که ۳۸۵ نفر حجم نمونه این تحقیق را تشکیل می‌دهد و روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که تجربه مشارکت سیاسی (تعدد شرکت در انتخابات) بر عضویت شهروندان در احزاب، انجمن‌ها، اتحادیه‌های صنفی و سازمان‌های سیاسی اجتماعی با اطمینان ۹۵ درصد و سطح خطای ۵ درصد تأثیر مثبت دارد. همچنین در خصوص تأثیر تجربه مشارکت سیاسی بر نگرش شهروندان نسبت به مشارکت سیاسی با اطمینان ۹۹ درصد و سطح خطای ۱ درصد تأثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته مثبت است.

واژه‌های کلیدی

انتخابات، مشارکت، مشارکت سیاسی، نگرش، نگرش مشارکت سیاسی.

مقدمه

مطالعه تأثیر تجربه مشارکت سیاسی بر نگرش شهروندان نسبت به مشارکت سیاسی در ایران (مطالعه موردی: شهروندان شهر ابهر) موضوع مطالعه این پژوهش است. مشارکت سیاسی مفهوم تازه‌تری نسبت به انواع مشارکت‌های دیگر است، دلیل این امر را می‌توان در پیشرفت جوامع در سال‌های اخیر و گذر از حکومت‌های دیکتاتوری و خودکامه به دولت‌های دموکراتیک و مردمی جست‌وجو کرد و نظام سیاسی همواره بر ضرورت فعالیت سیاسی و مشارکت فعال و متعارف (مسالمت‌آمیز) در مباحث سیاسی تأکید دارد. از نظر میلبراث انواع مشارکت سیاسی را می‌توان از توجه به محرک‌های سیاسی مانند خواندن و گوش فرا دادن به اخبار سیاسی گرفته تا شرکت در مباحث سیاسی، رأی دادن، مبارزه انتخاباتی، اداره امور سیاسی حزبی در یک طیف قرار داد (مصفا، ۱۳۶۵: ۳۵). هرچه جامعه به لحاظ اقتصادی و سیاسی پیشرفت و سطح شناخت و به‌طور کلی فرهنگ تکامل و گستردگی بیشتری می‌یابد و مشارکت سیاسی مردم در فعالیت‌های سیاسی و مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی بیشتر می‌گردد و هرچه افراد جامعه از سطح شناخت و درک بالاتری برخوردار می‌شوند، مشارکت سیاسی آنها گسترده و وسیع‌تر می‌شود. به‌طور کلی هر کس نگرش خاصی درباره مشارکت سیاسی دارد که با فرهنگ و عوامل اجتماعی، حد توسعه‌یافتگی و تجربه آن جامعه از برخورداری از فضای باز دموکراتیک مرتبط است. به‌طور کلی مبادی دموکراسی را مشارکت سیاسی مردم شکل می‌دهد. از دید نظریه‌پردازان هنجاری مشارکت جوهر دموکراسی است، باید آن را بسیار ارزشمند دانست و امروزه یکی از معیارهای دسته‌بندی نظام‌های سیاسی را نیز کمیت و کیفیت مشارکت آحاد جامعه در فرایندهای کسب و قدرت و تصمیم‌سازی تشکیل می‌دهد. با توجه به پیوند دموکراسی با مشارکت مردم، نخبگان سیاسی برای کسب قدرت و موفقیت در این عرصه رقابت از جهت جلب آرا و نظرهای جامعه به‌سوی خود و بسیج بیشتر آنان به نفع خود نیازمند شناخت و نگرش دقیق در زمینه کنش‌های سیاسی مردم شده‌اند که بتوانند پس از آگاهی از نگرش، عوامل مؤثر و مکانیزم‌های مفید برای به‌دست آوردن آرای موافق مردم، از ثمره آرای آنان بهره‌گیرند. امروزه یکی از حوزه‌های وسیع و فعال مطالعه در جامعه‌شناسی سیاسی را جامعه‌شناسی مشارکت سیاسی و رفتار انتخاباتی (رفتارشناسی سیاسی و رفتار رأی‌دهندگان) شکل می‌دهد. بنابراین افراد در سطوح تحصیلی، سن، جنس، شغل، تاهل و غیره می‌توانند، نگرش و استنباط‌های مختلفی از مشارکت سیاسی داشته باشند. افرادی که خود به مقتضیات سیاسی جامعه بی‌تفاوت نیستند و در احزاب و سازمان‌های سیاسی شرکت فعال دارند، نسبت به افراد غیرفعال نگرش مثبت و منفی از مشارکت سیاسی دارند و افرادی که در انتخابات به‌طور متعدد (تجربه مشارکت سیاسی) شرکت می‌کنند، نمی‌توانند بی‌تفاوت باشند. آنان نیز

نگرش خاصی از مشارکت سیاسی دارند. بر این اساس عنوان مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر تجربه مشارکت سیاسی بر نگرش شهروندان به مشارکت سیاسی به‌عنوان پیش‌شرط مشارکت سیاسی انتخاب شده است.

نتایج تحقیقات لیپست و دوز نشان می‌دهد که همواره رفتار سیاسی و مشارکت مردم در کشورهای آمریکا، کانادا، بریتانیا و استرالیا بر عوامل و متغیرهایی تأکید می‌ورزد که بر مشارکت سیاسی تأثیر مهمی دارد، ولی شدت و الگوی این تأثیرگذاری ثابت نبوده است. مهم‌ترین این عوامل عبارت‌اند از: باورهای مذهبی، جنسیت، سن، نژاد، روستایی یا شهری بودن افراد، طبقه اجتماعی و پیوندهای منطقه‌ای. از نظر آنان در کشورهای مذکور به‌جز آمریکا عواملی مانند سن و جنسیت از جمله متغیرهای مهم مؤثر بر مشارکت سیاسی‌اند و افراد دارای منزلت اجتماعی بالا بیش از افراد دارای منزلت اجتماعی پایین و اعضای سازمان‌های مختلف بیش از غیر اعضا در انتخابات شرکت می‌کنند (لیپست و دوز، ۱۳۷۳: ۳۹۶). هانتینگتون مشارکت سیاسی را از عوامل اصلی توسعه سیاسی می‌داند و معتقد است عضویت و مشارکت فعال در انواع گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی (اتحادیه‌های شغلی و صنفی، گروه‌های مدافع علائق خاص و نظایر آنها) احتمال مشارکت در فعالیت اجتماعی و سیاسی را بیشتر می‌کند (رضایی، ۱۳۷۵: ۵۶-۵۴). جورج کاسپارهومنز معتقد است در قضیه موفقیت مطلوبیت پاداش و در قضیه محرک تشابه موقعیت علت تکرار عمل توسط شخص است. همچنین در قضیه ارزش معتقد است هرچه نتیجه یک کنش برای شخص باارزش‌تر باشد، احتمال بیشتری دارد که همان کنش را دوباره انجام دهد (ریترز و جرج، ۱۳۸۴: ۴۲۹-۴۲۴). نظریه رابرت دال که مبتنی بر رویکرد روان‌شناختی رفتارگرایانه است، پدیده گرایش و عدم گرایش افراد به مشارکت سیاسی را مورد توجه قرار می‌دهد و عواملی را که در نهایت به تصمیم‌گیری فرد برای مشارکت و عدم مشارکت منجر می‌شود، برمی‌شمارد. وی با بیان دلایلی نشان می‌دهد چرا مردم در امور اجتماعی خود مشارکت نمی‌کنند. در مجموع متغیرهای مؤثر بر رفتار سیاسی افراد در مدل تبیینی رابرت دال را می‌توان برحسب قاعده هزینه فایده تحلیل کرد که براساس آن افراد برحسب تفاضل بین هزینه و فایده دست به انتخاب می‌زنند. بنابراین دستیابی به پاداش مورد انتظار، احساس تأثیرگذاری، توانایی تصمیم‌گیری درست و دانش لازم از وضعیت موجود، از متغیرهای ارزیابی فایده است که هرچه این ارزیابی مثبت‌تر باشد، احتمال مشارکت فرد افزایش می‌یابد و متغیرهایی مانند مشکلات انجام رفتار، احساس خطر در انجام رفتار و برآورد هزینه انجام رفتار، در مجموع برآورد نهایی فرد از هزینه انجام رفتار را به‌دست می‌دهد (محسنی تبری، ۱۳۷۵: ۱۵).

تحقیقات انجام گرفته در ایران از جمله عظیمی هاشمی، قاضی طباطبایی و هدایتی (۱۳۹۴)، دارابی (۱۳۹۴)، پورجبللی و نجفی (۱۳۹۳)، اسماعیل زاده، هراسی و توانا (۱۳۹۲)، نگین تاجی و کشاورز (۱۳۹۴)، جعفری نیا (۱۳۹۱)، نیک پور قنوتی، معینی و احمدی (۱۳۹۱)، موحد (۱۳۸۵)، فتحی (۱۳۸۵)، محمد نجات (۱۳۹۱) و پرسون (۲۰۱۵)، به بررسی عوامل اجتماعی و سیاسی مؤثر بر نگرش و نیز سطح مشارکت سیاسی شهروندان پرداختند. تحقیقات گلابی و حاجی لو (۱۳۹۱) نیز نتایج مشابهی داشت. نتایج پژوهش‌های کفاشی، نوابخش و پاشازاده آذری (۱۳۸۹)، هاشمی و همکاران (۱۳۸۸)، فیروزجانیان و جهانگیری (۱۳۸۷) و قبادی (۱۳۹۱) نیز بر وجود رابطه و تأثیر بین نگرش شهروندان از مشارکت سیاسی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن را صحه گذاشته‌اند. مطالعات روستا (۱۳۸۵) نیز به نتایج مشابهی منتهی شد. از آنجا که در ایران، مشارکت سیاسی شهروندان در انسجام و حفظ سیستم اجتماعی نقش مهمی دارد، چنانچه زمانی فرارسد که مردم به سرنوشتشان بی تفاوت باشند و این احساس به آنها دست بدهد که هیچ نقشی در سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود ندارند، این بی تفاوتی زنگ خطری است برای مسئولان جامعه که بین دستگاه حاکمه و مردم شکافی عمیق وجود دارد. در چنین حالتی برای مسئولان جامعه به لحاظ اهمیت موضوع لازم می‌شود برای ارتقا و بهبود روحیه سیاسی و رفع نیازهای اجتماعی آنها اقدام به تشکیل سازمان‌های سیاسی و اجتماعی از جمله احزاب و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی کنند تا جامعه دچار رکود نشود و با شناخت قانونمندی‌های رفتاری در جامعه قادر به برنامه‌ریزی اجتماعی و محرک‌های سیاسی مناسب به منظور افزایش مشارکت سیاسی مسالمت‌آمیز باشند. از سوی دیگر، با مروری بر ادبیات تحقیق می‌توان این پژوهش را از سایر پژوهش‌های دیگر متمایز فرض کرد. بر این اساس مطالعات مختلف در حوزه مشارکت سیاسی نشان می‌دهد که تحقیقات قبلی اغلب در بررسی‌های خود صرفاً، خود مفهوم مشارکت سیاسی را مدنظر داشته و کمتر به نگرش به‌عنوان پیش شرط مشارکت سیاسی توجه داشته‌اند. از جمله دلایل دیگر که بر اهمیت موضوع جهت بررسی می‌افزاید، اهمیت پرداختن به شهر ابهر است که از این حیث به دلایل زیر اشاره می‌شود: موقعیت استراتژیک شهر ابهر به لحاظ تاریخی و قطبیت صنعتی در استان، تراکم فزاینده افراد تحصیل کرده، فضای سیاسی حاکم بر شهر، موقعیت استراتژی شهر به دلیل اینکه پل ارتباطی شهرهای مرکز کشور با شمال غرب محسوب می‌شود، داعیه تبدیل به استان شدن، وجود نگرش منفی مشارکت سیاسی قشر تحصیل کرده برخلاف عوام، عضویت فزون یافته در احزاب سیاسی (هوادار) و انجمن‌ها و تشکل‌های سیاسی شهروندان ابهر و... بر این اساس، هدف شناخت نگرش شهروندان از مشارکت سیاسی و تأثیر تجربه سیاسی بر آن، اینکه آنان چه نگرشی (مثبت یا منفی) از مشارکت سیاسی در ایران دارند، خواهد بود و سؤال محوری

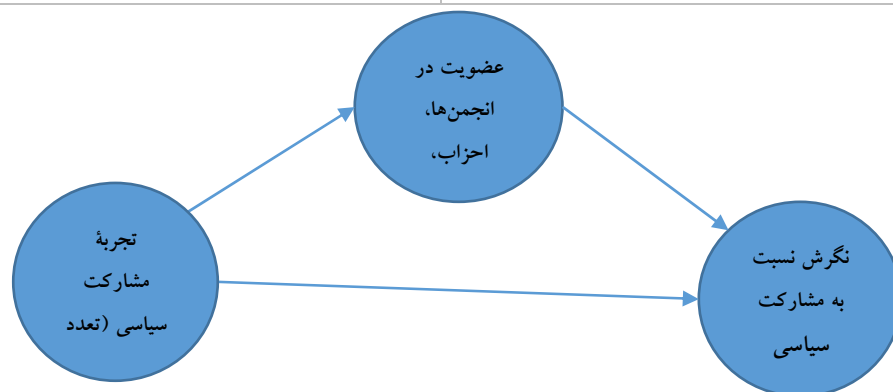
مطرح شده این خواهد که چه عوامل اجتماعی (تجربه مشارکت سیاسی) و سیاسی بر نگرش شهروندان از مشارکت سیاسی ایشان، تأثیر دارد؟

چارچوب نظری

موضوع مشارکت سیاسی از زوایای گوناگون و با دیدگاه‌ها و نظریات متفاوت واکاوی و بررسی شد و روشن گردید که عوامل متعددی اعم از اجتماعی، سیاسی، شخصیتی و روانی در مشارکت سیاسی مدخلیت دارند، اما هیچ‌یک از نظریه‌های موجود به‌تنهایی قادر به بررسی و تحلیل جامع پدیده‌های مورد بررسی در تحقیق حاضر نیست؛ ولی رویکرد تلفیقی می‌تواند موضوع را از زوایای گوناگون جامعه‌شناختی بررسی کند و به تحلیل و تبیین جامع دست یابد که در این تحقیق از رویکرد ترکیبی به‌عنوان چارچوب نظری تحقیق استفاده شده است. از نظریه رابرت دال و هومنز متغیر تجربه مشارکت سیاسی (تعدد شرکت در انتخابات) و از نظریه هانتینگتون و لیپست متغیر عضویت در انجمن‌ها، اتحادیه‌ها، احزاب و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی استفاده شده و بر این اساس مدل نظری پژوهش ترسیم شده است.

جدول ۱. فرضیه‌های پژوهش براساس نظریه‌های مختلف

فرضیه‌ها	برگرفته از نظریه‌های نظریه‌پردازان
فرضیه اول تجربه مشارکت سیاسی (تعدد شرکت در انتخابات) بر نگرش نسبت به مشارکت سیاسی تأثیر دارد.	نظریات رابرت دال، جورج کاسپار هومنز
فرضیه دوم: عضویت در انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و احزاب و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی بر نگرش نسبت به مشارکت سیاسی تأثیر دارد.	نظریات هانتینگتون و لیپست متغیر عضویت در انجمن‌ها، اتحادیه‌ها، احزاب و سازمان‌های مردم‌نهاد و امور خیریه



شکل ۱. مدل نظری تأثیر تجربه مشارکت سیاسی بر نگرش به مشارکت سیاسی

روش تحقیق

با توجه به موضوع تحقیق و چارچوب نظری و روش و تکنیک تحقق به لحاظ روش‌شناسی این تحقیق از نوع اثبات‌گرایی پیروی کرده است که در این مطالعه تئوری‌ها، روش و تکنیک تحقیق در فضای مفهومی و در یک راستاست. از نظر نوع تحقیق و براساس هدف پژوهش، این مطالعه در زمره تحقیقات بنیادی و ناب و همچنین کاربردی و به لحاظ زمان گردآوری داده‌ها از نوع تحقیق پیمایشی و براساس ماهیت داده‌ها تحقیق کمی است. در رویکرد کمی، روش تحقیق مورد استفاده از نوع پیمایشی با رویکرد مقطعی است. جامعه آماری مورد مطالعه، شامل تمامی شهروندان اعم از مرد و زن بالای ۱۸ سال شهر اهر است. براساس گزارش مرکز آمار ایران، جمعیت بالای ۱۸ سال اهر در آخرین سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰، حدود ۶۳۴۹۴ نفر بوده است. تعداد نمونه با استفاده از فرمول کوکران و با استناد به میزان پرکندگی صفت مورد مطالعه در جامعه و برآورد واریانس، ۳۸۵ نفر تعیین شده است. همچنین این مطالعه از روش‌های نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و تصادفی ساده برای تعیین فرد نمونه بهره برده که با ابزار پرسشنامه ترکیبی استاندارد و محقق‌ساخته، مبادرت به گردآوری داده‌ها و اطلاعات کرده است. اعتبار پرسشنامه توسط صاحب‌نظران و استادان، تعیین شد (اعتبار صوری) و پایایی آن نیز براساس آزمون آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۹۶ به‌دست آمد.

تجزیه و تحلیل

از میان ۴۰۰ پرسشنامه توزیع‌شده در حدود ۳۸۵ پرسشنامه قابل استفاده بود که پس از استخراج داده‌ها از پرسشنامه، نرخ برگشت پرسشنامه برابر با ۹۶ درصد است. اطلاعات استخراج‌شده تجزیه و تحلیل شد که نتایج آن در ادامه تشریح خواهد شد. در این مقاله یافته‌ها شامل یافته‌های توصیفی و یافته‌های استنباطی (آزمون فرضیه‌های تحقیق) است.

آماره‌های توصیفی (یافته‌ها و نتایج حاصل از تحلیل‌های توصیفی)

یافته‌های توصیفی موضوع مورد مطالعه به‌عبارتی توزیع فراوانی و درصد پاسخ‌های مربوط به هر گویه و عبارات از متغیرهای بیان‌شده نشان داد که براساس جنس ۶۲/۱ درصد مرد و ۳۷/۹ درصد زن بودند، بنابراین اکثریت پاسخگویان نمونه مرد بودند. همچنین براساس گروه سنی، ۴/۴ درصد متولدین قبل از ۱۳۴۲، ۳۹/۵ درصد متولدین سال‌های ۴۲ تا ۵۷، ۳۶/۱ درصد متولدین سال‌های ۵۷ تا ۶۷ و ۶۷ تا ۷۷ بودند. بنابراین بیشترین فراوانی پاسخگویان مربوط به متولدین ۴۲ تا ۵۷ بود. همچنین براساس سطح تحصیلات ۱۱/۹ درصد دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۲۴/۹ درصد دارای تحصیلات دیپلم، ۱۱/۲ درصد دارای تحصیلات فوق‌دیپلم، ۴۹/۱ درصد دارای مدرک تحصیلی لیسانس و فوق‌لیسانس و ۲/۹ درصد

دارای تحصیلات دکتری بودند. از این رو بیشترین فراوانی پاسخگویان مربوط به سطح تحصیلی لیسانس و فوق‌لیسانس بود. براساس وضعیت تأهل ۷۲/۲ درصد متأهل و ۲۷/۸ درصد مجرد بودند. براساس نوع اشتغال ۳۴/۸ درصد دارای شغل دولتی و ۶۵/۲ درصد دارای شغل غیردولتی بودند، از این رو بیشترین فراوانی پاسخگویان مربوط به شغل‌های غیردولتی است.

آماره‌های کلی توصیفی متغیرها

در جدول ۲ آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش نشان داده شده است. تعداد کل پاسخگویان شرکت‌کننده در پژوهش ۳۸۵ نفر است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود برای هر متغیر آماره‌هایی نظیر حداقل و حداکثر داده و میانگین، انحراف معیار و واریانس و چولگی و کشیدگی متغیرهای پژوهش به تفکیک محاسبه شده است. نتایج نشان داد کمترین نمره متغیر عضویت در احزاب و انجمن‌ها و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی برابر با ۰ و بیشترین نمره این متغیر برابر با ۲۴ است. همچنین میانگین نمره متغیر برابر با ۵/۵۹ و انحراف معیار آن برابر با ۴/۶۲ است، همچنین چولگی متغیر برابر با ۰/۹۳۶ و حاکی از این است که توزیع چوله به سمت راست کشیدگی دارد. مقدار کشیدگی برای متغیر برابر با ۰/۶۶۵ است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، کمترین نمره متغیر تعدد شرکت در انتخابات (تجربه مشارکت سیاسی) برابر با ۴ و بیشترین نمره ۲۰ است. میانگین نمره تعدد شرکت در انتخابات برابر با ۱۲/۸۱ و انحراف معیار آن برابر با ۴/۷۴ است. از سویی چولگی این متغیر برابر با ۰/۳۲۵- منفی است، مقدار قدر مطلق بیش از ۲ چولگی زیاد را نشان می‌دهد. منفی بودن چولگی حاکی از این است که توزیع چوله به سمت چپ کشیدگی دارد. همچنین مقادیر کشیدگی برابر با گشتاور چهارم نرمال شده است، به عبارت دیگر کشیدگی معیاری از تیزی منحنی در نقطه ماکزیمم است. مقدار کشیدگی برای متغیر تعدد شرکت در انتخابات (تجربه مشارکت سیاسی) برابر با ۰/۹۰۶- است، مقدار کشیدگی برای توزیع نرمال برابر ۳ است.

جدول ۲. آماره‌های توصیفی کلی متغیرهای پژوهش

کشیدگی	چولگی	انحراف معیار	میانگین	حداکثر	حداقل	تعداد	
۰/۶۶۵	۰/۹۳۶	۴/۶۲	۵/۵۹	۲۴	۰	۳۸۵	عضویت در احزاب و انجمن‌ها و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی
-۰/۹۰۶	-۰/۳۲۵	۴/۷۴	۱۲/۸۱	۲۰	۴	۳۸۵	تعدد شرکت در انتخابات (تجربه مشارکت سیاسی)
۱/۰۱۴	-۰/۷۱۹	۱۲/۴۷	۶۸/۲۵	۹۷	۲۳	۳۸۵	نگرش نسبت به مشارکت سیاسی

یافته‌ها و نتایج حاصل از تحلیل‌های استنباطی (آزمون فرضیه‌ها)

در بخش قبل، متغیر وابسته مطالعه و توصیف شد. در این بخش موضوع تحقیق تبیین شده است. از آنجا که هدف کلی تحقیق شناخت و نگرش شهروندان از مشارکت سیاسی و تأثیر تجربه مشارکت سیاسی بر آن است، نتایج حاصل از مطالعه تئوری‌ها و دیدگاه‌های مرتبط و تبیین‌کننده موضوع مانند تئوری تجربه مشارکت سیاسی (تعدد شرکت در انتخابات) و روابط سازمانی (عضویت در احزاب و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی) و نتایج تحقیقات پیشین، تلاش در جهت ترکیب این تئوری‌ها و ساخت چارچوب و مدل نظری، بیانگر این است که تجربه مشارکت سیاسی (تعدد شرکت در انتخابات) به‌طور مستقیم و نیز به‌طور غیرمستقیم از طریق عضویت در احزاب، انجمن‌ها، اتحادیه‌های صنفی و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی بر نگرش نسبت به مشارکت سیاسی تأثیر دارد. متغیر تجربه مشارکت سیاسی از طریق شاخص‌هایی چون شرکت در انتخابات مجلس، ریاست جمهوری، شورای شهر و خبرنگاران رهبری سنجش شده است. متغیر عضویت در احزاب، انجمن‌ها، اتحادیه‌های صنفی و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی شامل شش نوع سازمان از جمله حزب سیاسی، انجمن‌ها، اتحادیه‌های صنفی، سازمان‌های غیردولتی، حزب‌الله (بسیج) و امور خیریه مورد سنجش قرار گرفته است. متغیرهای مذکور در سطح سنجش ترتیبی اندازه‌گیری شده است، اما در نهایت با محاسبه مجموع نمره سؤالات متغیرها، مقیاس سنجش از ترتیبی به فاصله‌ای تغییر یافت. با توجه به سطح سنجش فاصله‌ای متغیر وابسته سنجش، به‌منظور سنجش تأثیر این متغیرها به متغیر وابسته، از آزمون پارامتری تحلیل رگرسیون خطی چندمتغیره (چند مستقل و یک وابسته) و تحلیل مسیر (چند مستقل و یک وابسته) و همچنین آزمون χ^2 استفاده شده است.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر استفاده شده است.

فرضیه ۱: تعدد شرکت در انتخابات (تجربه مشارکت سیاسی) بر عضویت در انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و احزاب و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی تأثیر دارد.

H1 بیانگر این است که تعدد شرکت در انتخابات بر عضویت در انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و احزاب و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی تأثیر دارد. ضریب مسیر استاندارد محاسبه‌شده بین این دو متغیر برابر با ۰/۱۰۶ است که با توجه به جدول نتایج آماره‌های ذیل H1 تأیید و H0 رد می‌شود، یعنی با داده‌های جمع‌شده از نمونه آماری این پژوهش، تعدد شرکت در انتخابات بر

عضویت در انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و احزاب و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی تأثیر مثبت دارد. بنابراین یافته فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود.

جدول ۳. نتایج آماره‌های فرضیه اول پژوهش

سطح معناداری	t	ضرایب		
۰/۰۲۷	۲/۲۲۷	۰/۱۰۶	عضویت در احزاب و انجمن‌ها و سازمان‌های سیاسی	متغیر وابسته
			تعدد شرکت در انتخابات (تجربه مشارکت سیاسی)	متغیرهای مستقل

فرضیه ۲: عضویت در انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و احزاب و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی بر نگرش نسبت به مشارکت سیاسی تأثیر دارد.

H1 بیانگر این است که عضویت در انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و احزاب و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی بر نگرش به مشارکت سیاسی تأثیر دارد. ضریب مسیر استاندارد محاسبه شده بین این دو متغیر برابر با ۰/۲۱۴ است که این رابطه مثبت با $t = ۰/۴۲۱$ ، چون از t جدول با آلفای ۰/۰۱ ($t = ۲/۳۳$) بیشتر است، از این رو H1 تأیید و H0 رد می‌شود، یعنی با داده‌های جمع شده از نمونه آماری این پژوهش، عضویت در انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و احزاب و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی بر نگرش به مشارکت سیاسی تأثیر دارد. بنابراین یافته فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌شود.

جدول ۴. نتایج آماره‌های فرضیه دوم پژوهش

سطح معنی‌داری	t	ضرایب		
۰/۰۰۰	۴/۴۲۱	۰/۲۱۴	نگرش نسبت به مشارکت سیاسی	متغیر وابسته
			عضویت در انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و احزاب و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی	متغیرهای مستقل

فرضیه ۳: تعدد شرکت در انتخابات (تجربه مشارکت سیاسی) بر نگرش نسبت به مشارکت سیاسی تأثیر دارد.

H1 بیانگر این است که تعدد شرکت در انتخابات بر نگرش به مشارکت سیاسی تأثیر دارد. ضریب مسیر استاندارد محاسبه شده بین این دو متغیر برابر با ۰/۲۱۷ است که این رابطه مثبت با $t = ۴/۷۶۵$ چون از t جدول با آلفای ۰/۰۱ ($t = ۲/۳۳$) بیشتر است، از این رو H1 تأیید و H0 رد

می‌شود، یعنی با داده‌های جمع‌شده از نمونه آماری این پژوهش، تعدد شرکت در انتخابات بر نگرش به مشارکت سیاسی تأثیر دارد. بنابراین یافته فرضیه سوم پژوهش تأیید می‌شود.

جدول ۵. نتایج آماره‌های فرضیه سوم پژوهش

سطح معناداری	t	ضرایب		
۰/۰۰۰	۴/۷۶۵	۰/۲۱۷	نگرش نسبت به مشارکت سیاسی	متغیر وابسته
			تعدد شرکت در انتخابات	متغیرهای مستقل

تحلیل مسیر و تحلیل ضرایب مسیر عوامل تأثیرگذار بر نگرش شهروندان نسبت به مشارکت سیاسی

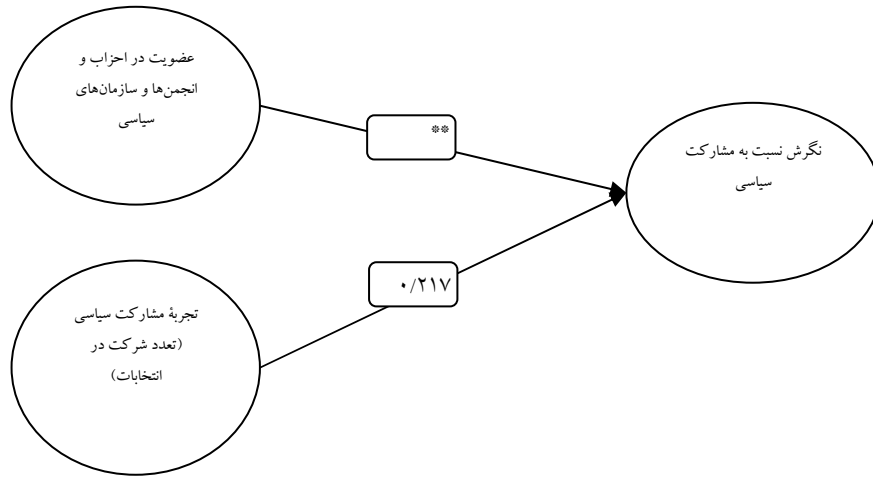
در شکل‌های ۲ و ۳ روابط متغیرها و ضرایب مسیر بین متغیرهای پژوهش در دو مدل نشان داده شده است. همچنین ضرایب تعیین مدل روی نمودار نمایش داده شده است.

مدل اول

در مدل اول تأثیر دو متغیر عضویت در احزاب و انجمن‌ها و سازمان‌های سیاسی و تجربه مشارکت سیاسی بر روی نگرش نسبت به مشارکت سیاسی برآورد شده است. همان‌گونه که در جدول ۶ ملاحظه می‌شود، تأثیر هر دو متغیر بر نگرش نسبت به مشارکت سیاسی معنادار است. قوی‌ترین تأثیر مربوط به متغیر تجربه مشارکت سیاسی است و پس از آن عضویت در احزاب و انجمن‌ها و سازمان‌های سیاسی در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

جدول ۶. نتایج تحلیل رگرسیون به روش همزمان (Enter) برای متغیر وابسته نگرش نسبت به مشارکت سیاسی

مدل اول	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد	t	سطح معناداری	R ²
	B	Std. Error				
(مقدار ثابت)	۴۵/۹۰۱	۲/۵۲۲		۱۸/۱۹۹	۰/۰۰۰	۰/۲
متغیرهای مستقل	۰/۵۷۹	۰/۱۳۱	۰/۲۱۴	۴/۴۲۱	۰/۰۰۰	
	۰/۵۷۲	۰/۱۲۰	۰/۲۱۷	۴/۷۶۵	۰/۰۰۰	
متغیر وابسته	نگرش نسبت به مشارکت سیاسی					



شکل ۲. مدل اول تحلیل مسیر (تبیین نگرش به مشارکت سیاسی)

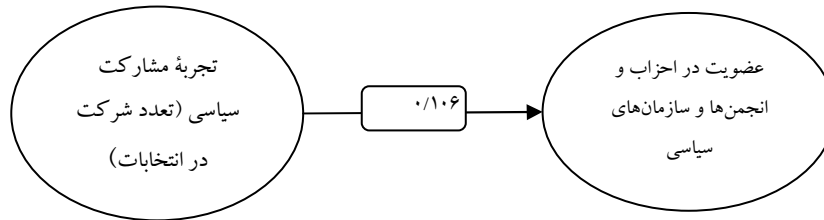
مدل دوم

در مدل دوم تحلیل مسیر تأثیر تجربه مشارکت سیاسی بر میزان عضویت در احزاب و انجمن‌ها و سازمان‌های سیاسی برآورد شده است، همان‌گونه که در جدول ۷ ملاحظه می‌شود، تجربه مشارکت سیاسی به‌طور مستقیم بر عضویت افراد در احزاب و انجمن‌ها و سازمان‌های سیاسی تأثیر دارد.

جدول ۷. نتایج تحلیل رگرسیون به روش همزمان (Enter) برای متغیر وابسته عضویت در احزاب و انجمن‌ها و

سازمان‌های سیاسی

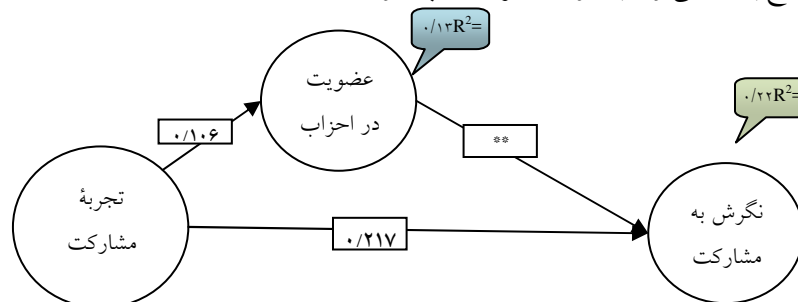
R^2	سطح معنی‌داری	t	ضرایب استاندارد	ضرایب غیراستاندارد		مدل اول
			Beta	Std. Error	B	
	۰/۱۶۱	-۱/۴۰۵		۰/۹۸۲	-۱/۳۸۰	(مقدار ثابت)
۰/۱۳	۰/۰۲۷	۰/۲۲۷	۰/۱۰۶	۰/۴۷	۰/۱۰۴	تعدد شرکت در انتخابات (تجربه مشارکت سیاسی)
عضویت در احزاب و انجمن‌ها و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی						
متغیر وابسته						



شکل ۳. مدل دوم تحلیل مسیر تبیین عضویت در احزاب، انجمن‌ها و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی

مدل نهایی تحلیل مسیر

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، اثر مستقیم عضویت در احزاب و انجمن‌ها و سازمان‌های سیاسی بر روی نگرش نسبت به مشارکت سیاسی برابر با $۰/۲۱۴$ است. نتایج بیانگر این است که اثر مستقیم تجربه مشارکت سیاسی (تعدد شرکت در انتخابات) بر روی نگرش نسبت به مشارکت سیاسی برابر با $۰/۲۱۷$ است، اما تأثیر غیرمستقیم آن از طریق عضویت در احزاب و انجمن‌ها و سازمان‌های سیاسی برابر با $۰/۰۲۳$ است. بنابراین به نظر می‌رسد تأثیر مستقیم متغیر تجربه مشارکت سیاسی (تعدد شرکت در انتخابات) قوی‌تر از تأثیر غیرمستقیم آن است. نتایج بالا را می‌توان به صورت زیر در قالب نمودار نشان داد.



شکل ۴. مدل تجربی تأثیر تجربه مشارکت سیاسی بر نگرش به مشارکت سیاسی (تحلیل مسیر همراه با ضرایب مسیر و ضرایب تعیین)

نتیجه

نتایج پژوهش نشان داد تعدد شرکت در انتخابات (تجربه مشارکت سیاسی) بر عضویت شهروندان در احزاب، انجمن‌ها، اتحادیه‌های صنفی و سازمان‌های سیاسی اجتماعی با اطمینان ۹۵ درصد و سطح خطای ۵ درصد تأثیر مثبت دارد. به عبارتی هرچه شهروندان در انتخابات مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، شورای اسلامی و خبرگان رهبری از میزان شرکت

بالایی برخوردار باشند، احتمالاً موجب پیوستن و عضویت شخص در احزاب و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی خاصی می‌شود.

همچنین بین تعدد شرکت در انتخابات (تجربه مشارکت سیاسی) با نگرش نسبت به مشارکت سیاسی با اطمینان ۹۹ درصد و سطح خطای ۱ درصد تأثیر مثبت وجود دارد، یعنی افزایش میزان شرکت در انتخابات احتمالاً موجب نگرش مثبت شخص به مشارکت سیاسی می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که این متغیر (تجربه مشارکت سیاسی) بر نگرش نسبت به مشارکت سیاسی تأثیر مثبت دارد که تئوری رابرت دال که عقاید چه کسانی بیشترین تأثیر را در نظام سیاسی یک جامعه دارد؟ در توصیف مبانی رفتار سیاسی به عقاید سیاسی به‌ویژه عقاید سیاسی فعالان سیاسی (تجربه مشارکت سیاسی) جامعه اعتقاد دارد که عمل سیاسی مردم یک جامعه را تعیین می‌کند و در مجموع متغیرهای مؤثر بر رفتار سیاسی افراد در مدل تبیینی رابرت دال را می‌توان برحسب قاعده هزینه فایده تحلیل کرد که براساس آن افراد برحسب تفاضل بین هزینه و فایده دست به انتخاب می‌زنند. بنابراین دستیابی به پاداش مورد انتظار، احساس تأثیرگذاری، توانایی تصمیم‌گیری درست و دانش لازم از وضعیت موجود، از متغیرهای ارزیابی فایده از نگرش شهروندان ابهری است که هرچه این ارزیابی مثبت‌تر باشد، احتمال مشارکت فرد افزایش می‌یابد و متغیرهایی مانند مشکلات انجام رفتار، احساس خطر در انجام رفتار و برآورد هزینه انجام رفتار، در مجموع برآورد نهایی فرد از هزینه انجام رفتار را به‌دست می‌دهد. همچنین نظریه تبادل هومنز که رفتار اجتماعی را به‌عنوان یک تبادل فعالیت ملموس یا غیرملموس کم و بیش پاداش‌دهنده یا غرامت‌آمیز میان دست‌کم دو شخص در نظر می‌گیرد و معتقد است هر عملی از یک شخص اگر مورد پاداش قرار گیرد (تجربه مشارکت سیاسی)، احتمال تکرار آن عمل توسط همان شخص افزایش می‌یابد، از این‌رو یافته‌های تجربی این متغیر در شهر ابهر با تئوری‌ها و همچنین نتایج تحقیق آقای دارابی (۱۳۹۴) مبنی بر تأیید رابطه بین مشارکت سیاسی زنان نه‌اوند با متغیر تجربه مشارکت سیاسی مطابقت دارد. به این معنی که تعدد شرکت در انتخابات مختلف (تجربه مشارکت سیاسی) از جانب شهروندان ابهری بر عضویت در احزاب و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی و نگرش شهروندان ابهر نسبت به مشارکت سیاسی تأثیر مثبت دارد و در نهایت موجب افزایش مشارکت سیاسی متعارف می‌شود. هم‌اکنون شهر ابهر از جمله شهرهای تراز اول استان به لحاظ عضویت (هوادار) شهروندان در احزاب و سازمان‌های سیاسی مختلف است.

در خصوص تأثیر عضویت در احزاب، انجمن‌ها، اتحادیه‌های صنفی و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی بر نگرش شهروندان نسبت به مشارکت سیاسی نتایج تحقیق نشان داد که با اطمینان ۹۹ درصد و سطح خطای ۱ درصد تأثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته مثبت است، یعنی

عضویت شهروندان در احزاب و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی بر نگرش ایشان نسبت به مشارکت سیاسی در نمونه آماری تأثیر مثبت دارد و هرچه این عضویت همراه با فعالیت اداری و پرداخت حق عضویت باشد، تأثیر بیشتری بر نگرش شهروندان به مشارکت سیاسی خواهد گذاشت.

در راستای مطابقت یافته‌های تجربی با تئوری‌ها و تحقیقات پیشین در این زمینه، براساس نظریه هانتینگتون مشارکت سیاسی عامل اصلی توسعه سیاسی و تابع دو عامل نگرش و اولویت نخبگان حاکم سیاسی و وضع گروه‌ها و انجمن‌ها و نهادهای اجتماعی واسط در خود جامعه است و عضویت و مشارکت فعال در انواع گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی (اتحادیه‌های شغلی، گروه‌های مدافع علایق خاص و نظایر آن) به عبارتی مجاری سازمانی یعنی عضویت فرد در انواع گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی موجب گسترش مشارکت سیاسی در شهر ابهر شده است و احتمالاً مشارکت سیاسی و اجتماعی را نزد ایشان بیشتر می‌کند. مارتین لیپست از مهم‌ترین نظریه‌پردازان رویکرد اجتماعی در تبیین مشارکت سیاسی است که به بررسی عوامل تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی پرداخته است و در تجزیه و تحلیل رفتار سیاسی و مشارکت مردم در کشورهای مختلف مانند آمریکا، کانادا، بریتانیا و استرالیا بر عوامل و متغیرهایی تأکید دارند که بر مشارکت سیاسی تأثیر مهمی دارد. از جمله اعضای سازمان‌ها بیشتر از غیرعضوها در انتخابات مشارکت می‌کنند، ولی شدت این تأثیرات در همه کشورهای به یک اندازه نیست و نمی‌توان به الگوی چندان ثابتی در رفتار مشارکتی شهروندان دست یافت. همچنین نتایج تحقیقات انجام‌گرفته قبلی در ایران (هاشمی و قاضی طباطبایی، ۱۳۹۴؛ پورجلی و نجفی، ۱۳۹۳؛ گلابی و حاجیلو، ۱۳۹۱، نوابخش و همکاران، ۱۳۸۹؛ روستا، ۱۳۸۵) با یافته‌های این پژوهش در نمونه آماری همخوانی دارد، به این معنی که عضویت در احزاب و سازمان‌های سیاسی بر نگرش شهروندان ابهر نسبت به مشارکت سیاسی متعارف (مسالمت‌آمیز) تأثیر مثبت دارد و سبب گسترش مشارکت سیاسی شده و احتمالاً مشارکت سیاسی و اجتماعی را افزایش می‌دهد. بر این اساس شهر ابهر در بین شهرها، از لحاظ فضای حاکم سیاسی بسیار ویژه و خاص تلقی می‌شود.

نتایج حاصل از تحلیل مسیر تأثیر عضویت در احزاب، انجمن‌ها، بسیج (حزب‌الله)، اتحادیه‌های صنفی و سازمان‌های غیردولتی و امور خیریه بر نگرش مشارکت سیاسی شهروندان مورد مطالعه نشان داد که بین این دو رابطه مثبت وجود دارد، به این معنی که عضویت در سازمان‌های سیاسی و اجتماعی بر نگرش شهروندان مورد مطالعه تأثیر مثبت دارد و هرچه این عضویت از حالت هواداری بدون ارتباط رسمی به سمت فعالیت اداری بوده، تأثیرش بیشتر است.

پیشنهادها

در این بخش براساس نتیجه‌گیری‌های پژوهش که مبتنی بر یافته‌های پژوهش هستند، راهکارهایی برای حل مسئله در سطح جامعه به مخاطبان پژوهش از جمله استفاده‌کنندگان، مسئولان امر و سایر پژوهشگران پیشنهاد می‌شود:

پیشنهاد نظری

۱. در این مقاله بررسی تأثیر متغیرهای مستقل تجربه مشارکت سیاسی و عضویت در احزاب، انجمن‌ها، اتحادیه‌های صنفی، سازمان‌های مردم‌نهاد، بسیج (حزب‌الله) امور خیریه و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی، بر متغیر نگرش مشارکت سیاسی مورد سنجش قرار گرفته است، از این رو به محققان و دانشجویانی که قصد تحقیق در زمینه نگرش به مشارکت سیاسی را دارند، پیشنهاد می‌شود متغیرها و عوامل دیگر را نیز مدنظر قرار دهند.

۲. ساخت تئوری ترکیبی و تلفیقی عوامل اجتماعی مؤثر بر نگرش به مشارکت سیاسی می‌تواند در تبیین آن ثمربخش باشد که توصیه و پیشنهاد می‌شود در این زمینه علاوه بر تئوری‌های غربی تحقیقات انجام‌گرفته در ایران نیز در ساخت تئوری ترکیبی و تلفیقی لحاظ شود.

پیشنهادهای عملی (کاربردی و اجرایی)

از آنجا که مهم‌ترین بخش این پژوهش قسمت پیشنهاد عملی و کاربردی است، با توجه به یافته‌های تحقیق و اطلاعات جمع‌آوری‌شده پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود:

۱. با عنایت به اینکه بیشتر شهروندان در این پژوهش در سازمان‌های سیاسی و اجتماعی در حد هوادار بدون ارتباط رسمی عضویت داشتند، اگر میزان عضویت آنها در این نوع سازمان‌های سیاسی و اجتماعی در حد بالا یعنی عضویت فعال همراه با فعالیت اداری و پرداخت حق عضویت همراه باشد، به نظر می‌رسد فعالیت در امور سیاسی بیشتر می‌شود و به تبع بر نگرش ایشان نسبت به مشارکت سیاسی تأثیر می‌گذارد، در نتیجه پیشنهاد می‌شود مسئولان امر جهت بالا بردن روحیه سیاسی و رفع نیازهای سیاسی و اجتماعی شهروندان زمینه را برای شکل‌گیری گروه‌های مدنی از جمله احزاب سیاسی، تشکل‌های سیاسی، انجمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی با تشویق و ترغیب آنها برای عضویت در این نوع سازمان‌های سیاسی در جهت بهبود و تغییر نگرش مثبت به منظور افزایش مشارکت سیاسی (متعارف) مهیا سازند.

۲. هر گونه برنامه‌ریزی در جهت بهبود و تغییر نگرش مثبت به مشارکت سیاسی به منظور افزایش مشارکت سیاسی (متعارف) بدون توجه به نتایج تحقیقات علمی بی‌فایده و بی‌اثر است.

پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزان و متولیان امور سیاسی و اجتماعی حتماً از نتایج رساله‌های دانشجویی و سایر تحقیقات استفاده کنند.

۳. تعدد شرکت در انتخابات (تجربه مشارکت سیاسی) مختلف هم می‌تواند در عضویت شهروندان در تشکلهای و گروه‌های مدنی و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی و هم در نگرش مثبت و منفی نسبت به مشارکت سیاسی تأثیر بگذارد، از این رو اگر شهروندان احساس کنند شرکت آنها نقش و تأثیری در سرنوشتشان ندارد و صرفاً تشریفاتی است، نگرش منفی به مشارکت سیاسی پیدا می‌کنند. بنابراین پیشنهاد می‌شود متولیان امور سیاسی به منظور ایجاد نگرش مثبت به مشارکت سیاسی نسبت به برگزاری انتخابات آزاد و داوطلبانه و بدون دخالت و مهندسی هر گونه نهادی اقدام کنند و شهروندان براساس تشخیص خودآگاهانه و فعال در عرصه زندگی سیاسی و فرایندهای رسمی سیاسی مشارکت جویند تا در جهت بهبود و تغییر نگرش مثبت به منظور افزایش مشارکت سیاسی (متعارف) داشته باشند.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. ازکیا، مصطفی؛ و دربان آستانه، علیرضا (۱۳۸۹). روش‌های کاربردی تحقیق، ج ۱، تهران: کیهان.
۲. اسماعیل‌زاده، حسن؛ هواسی، علی؛ و توانا، مهدی (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت سیاسی، فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی لرستان، دوره ۳، ش ۲، ص ۷۸-۹۳.
۳. آبرامسون، پل (۱۳۸۳). مشارکت سیاسی، ترجمه نسرین طباطبایی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۴. بشیریه، حسین (۱۳۷۲). انقلاب و بسیج سیاسی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. پورجیبلی، ربابه؛ و نجفی، هوشنگ (۱۳۹۳). بررسی میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی شهروندان شهر تبریز و عوامل مؤثر بر آن، مطالعات علوم اجتماعی، سال یازدهم، ش ۴۱، ص ۳۶-۲۲.
۶. جعفری‌نیا، غلامرضا (۱۳۹۱). «بررسی عوامل اقتصادی - اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی شهروندان شهر خورموج»، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره ۷، ش ۲ (۲۶)، ۸۷-۱۲.
۷. دال، رابرت (۱۳۶۴). تجزیه و تحلیل جدید سیاست، ترجمه حسین ظفریان، تهران: مترجم.
۸. دواس، دی. ای. (۱۳۷۶). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران: نشر نی.
۹. روستا، کامران (۱۳۸۵). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز - مجتمع ولیمصر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، دانشکده علوم اجتماعی.
۱۰. رضایی، عبدالعلی (۱۳۷۵). مشارکت اجتماعی، وسیله یا هدف یا ابزار توسعه، فصلنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۱۰۹.
۱۱. ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ج ۱، چ سوم، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۲. فیروزجانیان، علی اصغر؛ و جهانگیری، جهانگیر (۱۳۸۷). «تحلیل جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی دانشجویان، نمونه مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه تهران»، دوفصلنامه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال پنجم، ش ۱، ص ۸۳.

۱۳. کریمی، یوسف (۱۳۷۹). نگرش و تغییر نگرش، تهران: نشر ویرایش.
۱۴. گلایی، فاطمه؛ و حاجیلو، فتانه (۱۳۹۱). «تأثیر خانواده بر مشارکت سیاسی زنان»، *جامعه‌شناسی زنان*، دوره ۳، ش ۱۱، ص ۳۱-۵۶.
۱۵. لیبست، مارتین؛ و دوز، رابرت (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه محمدحسین فرجاد، تهران: توس.
۱۶. مصفا، نسرين (۱۳۷۵). *مشارکت سیاسی زنان*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۷. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۵). «بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی، بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی و سیاسی»، *نامه پژوهش*، ش ۱۰۹، ص ۸۹-۱.

ب) خارجی

18. Persson M. (2015). "Education and Political Participation British Journal of Political Science", *British Journal of Political Science*, Vol. 45, Issue 03, July 2015, pp 689-703.
19. Lerner, Daniel (1958). *The Passing of Traditional Society Modernizing the Middle East*, New York: Copyright by The Press.